

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"

بشر امروز!!!

این شعر به استقبال از شعر معروف "این چه شوری ست، که در دور قمر میبینم" که میگویند از حضرت لسان الغیب حافظ شیرازی ست، سروده شده است. در دیوان کامل حافظ که به اهتمام علامه محمد قزوینی و داکتر قاسم غنی به سرمایه کتابخانه زوار، در تهران چاپ شده است، این شعر و تعداد دیگر از اشعاری که در چاپهای هندوستان شامل میباشند، وجود ندارد:

من که با چشم بصیرت به بشر میبینم	هر چه میبینم، ازو فتنه و شر میبینم
ثابت اینست که سیاره نحسی زده سر	که جهان جمله، مواجه به خطر میبینم
شرق با غرب دگر دست مودت ندهد	پای آرامش ازین صحنه بدر میبینم
سودها میطلبند هر که ز گردون، اما	همه را تا به گلو، غرق ضرر میبینم
مشکل اینست که آسان نشود رنج حیات	وضع امروز، ز دیروز بتر میبینم
پسران از پدران، یا پدران از پسران	دستگیری نکنند، هرچقدر میبینم
دیده ها را همه در راه حقیقت شده کور	گوشها را همه یکجا شده کر میبینم
به زمین دانه ای از مهر نیفشانده، مگر	همه را مست سفر سوی قمر میبینم
آدم از علم کند مشق تباهی به جهان	چه عجب بیخبری ها که به خر میبینم

سگ نفس من و تو باز نایستد ز تلاش سگ مردم به فلکها شده بر میبینم

تو ز من میطلبی قوت پرواز «اسیر»

من به بازوی ز هم ریخته پر میبینم

(م. نسیم « اسیر» - کابل عزیز، ۲۲ جدی ۱۳۳۶ ش)